

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه مازندران

دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه جهت اخذ درجه‌ی کارشناسی ارشد

در رشته‌ی حقوق خصوصی

موضوع :

نقش اصل تعدد قاضی در تحقق عدالت قضایی

نگارش:

اکبر نوری

استاد راهنما:

دکتر سام محمدی

استاد مشاور:

دکتر حمید ابهری

شهریور ماه ۱۳۹۹



تعهدنامه اصالت پایان نامه

بدینوسیله اینجانب **اکبر نوری** دانشجوی دوره کارشناسی ارشد در رشته **حقوق خصوصی** با شماره دانشجویی **۹۶۱۵۲۳۱۴۱۰۸** تعهد می‌نمایم که کلیه مطالب مندرج در این پایان نامه تحت عنوان: "**نقش اصل تعدد قاضی در تحقق عدالت قضایی**" حاصل فعالیت پژوهشی خودم بوده که به راهنمایی یا مشاورت اساتید دانشگاه مازندران تهیه شده است و در هر جا که از دستاوردها یا آثار علمی دیگران استفاده شده با رعایت حقوق مالکین معنوی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در متن پایان نامه، ارجاع داده شده و در منابع پایانی ذکر شده است.

این اثر پژوهشی قبلاً برای اخذ هیچ مدرک هم‌سطح، بالاتر یا پایین‌تر هیچ‌یک از دانشگاه‌ها و مؤسسات دولتی یا غیر دولتی ارائه نشده است، در صورت احراز تخلف و اثبات خلاف هر یک از موارد فوق، دانشگاه مازندران حق دارد بدون نیاز به حکمی از مراجع قضایی یا غیرقضایی، نسبت به ابطال مدرک تحصیلی اینجانب اقدام کند و حق پیگیری قضایی موضوع نیز برای دانشگاه مازندران محفوظ است و اینجانب حق هرگونه اعتراض را از خود ساقط می‌نمایم.

کلیه نتایج و حقوق حاصل از این اثر، متعلق به دانشگاه مازندران است و هرگونه استفاده از نتایج علمی و عملی، واگذاری اطلاعات به دیگران یا چاپ و تکثیر، نسخه برداری ترجمه و اقتباس از پایان نامه، بدون موافقت دانشگاه مازندران یا استاد راهنما یا مشاور ممنوع است. نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

نام و نام خانوادگی و امضاء دانشجو

صحت امضای دانشجو مورد گواهی است

مدیر گروه دانشکده:

معاون پژوهشی دانشکده:

سپاسگزاری

اکنون که به یاری پروردگار و یاری و راهنمایی اساتید گرانقدر موفق به اتمام این پایان نامه شده‌ام وظیفه خود دانسته که نهایت سپاسگزاری را از تمامی عزیزانی که در این راه به من کمک کرده‌اند را به عمل آورم:

در آغاز از استاد ارجمند جناب آقای دکتر سام محمدی که راهنمایی این پایان نامه را به عهده داشته‌اند کمال تشکر را دارم.

از استاد گرامی جناب آقای دکتر حمید ابهری که مشاور این پایان نامه بوده‌اند نیز قدردانی می‌نمایم.

همچنین از جناب آقای دکتر سید حسن حسینی مقدم و سرکار خانم دکتر ام البنین رمضان زاده که داوران این پایان نامه بوده‌اند، سپاسگزارم.

خالصانه از تمامی اساتید و معلمان و مدرسانی که در مقاطع مختلف تحصیلی به من علم آموخته‌اند متشکرم.

تقدیم به

خدمتگزاران بشریت

چکیده

یکی از جلوه های رسیدگی جمعی در قالب نهاد تعدد قاضی ظهور پیدا می کند. بررسی داده های تاریخی، فقهی و حقوقی بیانگر آن است برای تحقق شرایط تعدد قاضی، لزوماً اعضا باید ویژگیهای یک قاضی را دارا باشند، تعداد آن ها حداقل ۳ نفر و به تعداد فرد باشند و در رسیدگی و صدور رای در وضعیت یکسانی از نظر اثر گذاری باشند. در صورت عدم تحقق هر یک از این شروط، این نهاد کارایی لازم را نخواهد داشت. همان طور که در نهادهای مشابه نظیر شورای حل اختلاف، داوری و هیئت منصفه شاهد هستیم علی رغم آنکه در ظاهر به نوعی از مکانیزم رسیدگی مشارکتی بهره مند هستند، اما در واقع به علت نداشتن کامل شرایط اشاره شده از کارآمدی لازم برای جایگزینی نهاد تعدد قاضی برخوردار نیستند. البته نهاد تعدد قاضی بی عیب نیست و موضع حقوق دانان و فقها در رابطه با نهاد تعدد قاضی صرفاً مثبت نیست، در این پژوهش قصد داریم به مقایسه کارکردهای مثبت و منفی آن پردازیم و در نهایت با دید عمیق تری نظیرمان را درباره به کارگیری حداقلی یا حداکثری آن ابراز کنیم. البته رویکردمان محدود به بررسی نظری نهاد تعدد قاضی نخواهد بود، بلکه وضعیت فعلی به کارگیری این نهاد و باز خورد آن را در نظام حقوقی کشورمان را ارزیابی می کنیم و با در نظر گرفتن نقاط ضعف حاکم، راهکارهایی را برای رفع آن بیان می کنیم.

کلید واژه ها: قضا، تعدد قاضی، قضاوت شورائی، عدالت قضایی.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۲	مقدمه
۱۲	الف) - بیان مسأله
۱۲	ب) - سؤال‌های پژوهش
۱۳	پ) - پیشینه پژوهش
۱۳	ت) - فرضیه‌های پژوهش
۱۴	ث) - حدود پژوهش
۱۴	ج) - اهداف پژوهش
۱۴	چ) - مبانی نظری پژوهش
۱۴	ح) - روش شناسی پژوهش
۱۵	خ) - سازماندهی پژوهش
۱۶	فصل اول: کلیات و مفاهیم
۱۶	مبحث اول: مفاهیم
۱۶	گفتار اول: مفهوم قضا
۱۶	بند اول: قضا در لغت
۱۷	بند دوم: قضا در اصطلاح
۱۸	گفتار دوم: مفهوم عدالت قضایی
۲۰	گفتار سوم: تعدد قاضی و مفاهیم مشابه
۲۰	بند اول: تعدد قاضی
۲۰	الف: کاربرد
۲۰	ب: تعریف اصطلاحی
۲۱	بند دوم: قضاوت جمعی
۲۲	بند سوم: قضاوت شورایی
۲۳	مبحث دوم: پیشینه تعدد قاضی
۲۳	گفتار اول: تعدد قاضی در ایران باستان
۲۴	بند اول: نظام قضایی هخامنشیان
۲۵	بند دوم: نظام قضایی اشکانیان

۲۵	بند سوم: نظام قضایی ساسانیان
۲۶	گفتار دوم: تعدد قاضی در ادیان ابراهیمی
۲۶	بند اول: تعدد قاضی در آیین یهودیت
۲۷	بند دوم: تعدد قاضی در آیین مسیحیت
۲۸	بند سوم: تعدد قاضی در آیین اسلام
۲۹	گفتار سوم: تعدد قاضی در قوانین
۲۹	بند اول: قوانین قبل از انقلاب
۳۰	الف: رسیدگی توسط قاضی
۳۰	ب: رسیدگی توسط قاضی و غیر قاضی
۳۱	بند دوم: تعدد قاضی در قوانین بعد از انقلاب
۳۱	الف: رسیدگی توسط قاضی
۳۳	ب: رسیدگی توسط قاضی و غیر قاضی
۳۴	گفتار چهارم: وضعیت تعدد قاضی در حقوق تطبیقی
۳۴	بند اول: نظام قضایی فرانسه
۳۵	بند دوم: نظام قضایی ایالات متحده امریکا
۳۶	بند سوم: نظام قضایی انگلستان
۳۷	بند چهارم: نظام قضایی ایتالیا
۳۸	بند پنجم: نظام قضایی آلمان
۳۹	بند ششم: نظام قضایی هلند
۳۹	بند هفتم: نظام قضایی عربستان
۴۱	فصل دوم شرایط تحقق نهاد تعدد قاضی و بررسی آن در نهادهای مشابه
۴۱	مبحث اول: شرایط تحقق
۴۱	گفتار اول: تعداد اعضا
۴۲	بند اول: تعدد در نمونه‌های تاریخی
۴۲	الف: ایران باستان
۴۳	ب: تعدد در آیین یهود
۴۳	بند دوم: تعدد از نگاه فقها
۴۵	بند چهارم: تعدد در حقوق
۴۵	الف: حقوق تطبیقی

ب: دکترین	۴۵
ج: قوانین	۴۶
۱: قوانین قبل از انقلاب	۴۶
۲: قوانین بعد از انقلاب	۴۶
گفتار دوم: ویژگی اعضا	۴۷
بند اول: علم و اجتهاد	۴۹
الف: فقه	۴۹
ب: حقوق	۵۰
بند دوم: ذکورت (مرد بودن)	۵۱
الف: فقه	۵۲
ب: حقوق	۵۳
گفتار سوم: نوع مشارکت اعضا	۵۵
بند اول: فقه	۵۵
بند دوم: حقوق	۵۶
الف: دکترین	۵۷
ب: قوانین	۵۸
۱- قوانین قبل از انقلاب	۵۸
۲: قوانین بعد از انقلاب	۵۹
مبحث دوم: بررسی شرایط تحقق نهاد تعدد قاضی در نهادهای مشابه	۶۱
گفتار اول: شورای حل اختلاف	۶۱
بند اول: تعریف شورای حل اختلاف	۶۲
بند دوم: رابطه شورای حل اختلاف و نهاد تعدد قاضی	۶۲
الف: ویژگی اعضا	۶۲
ب: نوع مشارکت اعضا	۶۵
گفتار دوم: داوری	۶۶
بند اول: تعریف داوری	۶۶
بند دوم: رابطه داوری و نهاد تعدد قاضی	۶۷
الف: تعداد اعضا	۶۷
ب: ویژگی اعضا	۶۸

ج: ماهیت داوری.....	۶۸
گفتار سوم: هیئت منصفه.....	۶۹
بند اول: هیئت منصفه در قوانین.....	۷۰
بند دوم: تعریف هیات منصفه.....	۷۱
بند سوم: رابطه نهاد تعدد قاضی و هیئت منصفه.....	۷۲
الف: فلسفه وجودی هیات منصفه.....	۷۲
ب: ویژگی اعضا.....	۷۴
ج: نوع مشارکت اعضا.....	۷۵
فصل سوم: کارکردهای نهاد تعدد قاضی و دلایل ناکارآمدی آن در نظام حقوقی ایران.....	۷۷
مبحث اول: کارکردهای تعدد قاضی.....	۷۷
گفتار اول: کارکردهای مثبت نهاد تعدد قاضی.....	۷۸
بند اول: کاهش اشتباه و خطا.....	۷۸
بند دوم: تقویت قوه استدلال قضات.....	۷۹
بند سوم: رضایت نسبی دو طرف دعوا.....	۷۹
بند چهارم: کاهش اطاله دادرسی.....	۸۰
بند پنجم: جلوگیری از نفوذ در قضات.....	۸۰
بند ششم: جلوگیری از خودکامگی قضات.....	۸۱
بند هفتم: ارتقای جایگاه دستگاه قضایی در نزد افکار عمومی.....	۸۱
بند هشتم: تقویت استقلال و بی طرفی قاضی.....	۸۱
بند نهم: کاهش خسارت مادی و معنوی قاضی.....	۸۳
بند دهم: اثر مثبت بر دادرسی عادلانه.....	۸۳
بند یازدهم: رفع بی عدالتی در نظام قضایی.....	۸۴
گفتار دوم: کارکردهای منفی نهاد تعدد قاضی.....	۸۵
بند اول: هزینه بالای استقرار.....	۸۵
بند دوم: تاخیر بیش از حد در فرایند دادرسی.....	۸۶
بند سوم: دشواری رسیدن به نظر واحد.....	۸۷
بند چهارم: مشکل شناسایی قاضی خاطی.....	۸۸
بند پنجم: بلا اثر شدن رای برخی قضات.....	۸۹
بند ششم: بی دقتی و کم توجهی و فرار از مسئولیت.....	۸۹

بند هفتم: عدم دستیابی به اکثریت آرا.....	۸۹
بند هشتم: عدول قاضی از دیدگاه خود.....	۹۲
بند نهم: تاثیرپذیری بعضی قضات از قضات دیگر.....	۹۲
بند دهم: ناکارآمدی عدالت ترمیمی.....	۹۲
بند یازدهم: تعارض با اجتهاد قاضی.....	۹۳
مبحث دوم: دلایل ناکارآمدی نهاد تعدد قاضی در ایران.....	۹۴
گفتار اول: وجود خلاءهای قانونی و قوانین مبهم.....	۹۴
بند اول: رسیدگی غیر حضوری.....	۹۴
بند دوم: رسیدگی توسط دو عضو.....	۹۵
بند سوم: حضور غیر مستمر قضات.....	۹۶
گفتار دوم: نادیده گرفتن قانون توسط قوه قضاییه.....	۹۶
گفتار سوم: وجود عیوب ذاتی در مرحله تجدید نظر.....	۹۷
گفتار چهارم: عدم اجرای صحیح قانون.....	۹۸
نتایج و پیشنهادها.....	۹۹
الف) نتایج.....	۹۹
ب) پیشنهادها.....	۱۰۱
منابع.....	۱۰۲
چکیده انگلیسی.....	۱۱۹

مقدمه

الف) - بیان مسأله

یکی از جلوه‌های رسیدگی جمعی در قالب نهاد تعدد قاضی ظهور پیدا می‌کند که در نظام قضایی کشورمان چندان مورد عنایت نبوده و عمدتاً به کارگیری آن در محاکم عالی (دادگاه تجدید نظر) خلاصه می‌شود. همین به کارگیری محدود بر پژوهشگران نیز اثرگذار بوده و باعث شده این نهاد چندان از سوی آنها مورد بررسی و ارزیابی قرار نگیرد و ما با حجم قابل توجهی از ابهامات و عدم اطلاعات در این باره مواجه باشیم.

اولین مسأله‌ای که در رابطه با نهاد تعدد قاضی مطرح می‌باشد بحث شرایط تحقق نهاد تعدد قاضی است که در فقه و حقوق به طور صریح به آن پرداخته نشده است به همین دلیل با بررسی اطلاعات فقهی و حقوقی موجود بنا داریم چارچوبی برای آن ارائه کنیم که این چارچوب می‌تواند، تعداد، ویژگی و شیوه رسیدگی اعضای نهاد تعدد قاضی را در برگیرد.

مسأله بعدی، کارکردهای نهاد تعدد قاضی می‌باشد که همواره موافقان و مخالفانی هم در بین حقوق دانان و هم در بین فقها داشته است؛ این اختلاف نظر و تفاوت دیدگاه باعث تاثیرپذیری قانون‌گذار و در نتیجه محاکم قضایی از این اصل شده است. موافقان نهاد تعدد قاضی به مواردی نظیر کاهش اشتباهات قضایی (مدنی، ۱۳۷۴، ۲۴۱؛ فخر المحققین، ۱۳۸۷ق: ۴/۳۰۰) جلوگیری از نفوذ و تاثیرپذیری قضات (آخوندی، ۱۳۸۲: ۲/۱۸۷)، جلوگیری از خودکامگی قضات (یاری، ۱۳۹۷: ۶؛ صدرزاده افشار، ۱۳۶۰) و امکان استفاده قضات جوان و کم تجربه از فکر و تجربه‌ی قضات دیگر (آخوندی، ۱۳۸۲: ۲/۱۶۲) را به عنوان محاسن به کارگیری این شیوه از دادرسی ذکر می‌کنند و در مقابل مخالفان اطاله دادرسی، هزینه‌های بالای استقرار این نهاد (آشوری، ۱۳۸۴: ۶۵)، عدم دست‌یابی به اکثریت آرا (بلاغی، ۱۳۶۰: ۲۱۶؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق: ۴/۶۲؛ علامه حلی، ۱۴۱۰ق: ۱۳۹/۲) مسئولیت‌گریزی قضات (مدنی، ۱۳۷۴: ۱۳۲) و مشکل شناسایی قاضی خاطی و مقصر (اخوی، ۱۳۱۷: ۲۴) را به عنوان دلایل مخالفت خود با این نهاد بیان نموده‌اند. همین تفاوت دیدگاه ما را برآن داشت با مقایسه این نقطه نظرات، کارآمدی این نهاد را از لحاظ تئوری بررسی کنیم و در نهایت کیفیت به کارگیری آن را در نظام قضایی کشورمان مورد سنجش قرار دهیم.

ب) - سؤال‌های پژوهش

- ۱- آیا نهاد تعدد قاضی در تحقق حداکثری عدالت قضایی مثر ثمر می‌باشد؟
- ۲- آیا نهاد تعدد قاضی به کار گرفته شده در نظام قضایی کشورمان کارآمد می‌باشد؟

پ- پیشینه پژوهش

در رابطه با نقش اصل تعدد قاضی در تحقق عدالت قضایی، تحقیق مستقلی صورت نگرفته است، بلکه صرفاً پژوهش‌هایی در رابطه با مزایا و معایب قضاوت شورایی و قضاوت جمعی، آنهم به اختصار نگاشته شده است، اما پژوهشی که به طور مفصل به بررسی تعدد قاضی به لحاظ حقوقی، روند به کارگیری این نهاد در سایر کشورها، شرایط تحقق آن، ارزیابی این شرایط در نهادهای مشابه، کارکردهای این نهاد و وضعیت کارآمدی آن در نظام قضایی کشورمان بپردازد، انجام نشده است.

۱- حاجی ده آبادی و همکاران (۱۳۹۰)، در مقاله بررسی فقهی-حقوقی قضاوت جمعی می‌نویسند: «قضاوت جمعی یعنی داوری و دادرسی یک دعوی اعم از مدنی و جزائی توسط حداقل سه قاضی یا بیشتر به کمک یکدیگر به گونه‌ای که بالاتفاق یا به صورت اکثریت رأیی را صادر و انشاء نمایند؛ بدین معنا که رأی صادر شده مورد اتفاق و اکثریت قضات باشد».

۲- لسانی و همکاران (۱۳۹۵)، در مقاله جایگاه و ضرورت قضاوت شورایی در تحقق عدالت قضایی می‌نویسند: «به حکم عقل به نظر می‌رسد قضاوت شورایی در تحقق عدالت قضایی، جلب اعتماد عمومی و افزایش مقبولیت عملکرد دستگاه قضایی و جلوگیری از انحرافات موجود سهم بسزایی می‌تواند داشته باشد. بدیهی است ضابطه‌مند کردن این نوع قضاوت و ترویج آن به تدریج کاستی‌ها و نقائص اندک آن را برطرف خواهد ساخت».

۳- امیرزاده جیرکلی (۱۳۸۶)، در مقاله قضاوت شورایی [قضای شورایی] در فقه و حقوق می‌نویسد: «در مقام موازنه و سنجش محاسن و معایب قضای شورایی، محاسن و کمالات این روش بر عیوب آن رجحان داشته و در مجموع، در رسیدگی به دعاوی و جرایم، روش تعدد قاضی بهتر از روش وحدت قاضی است».

۴- سلطانی و شادکام (۱۳۹۰)، در مقاله تبیین وضعیت نظریه تعدد قاضی در فقه اسلام و قانون موضوعه‌ی ایران می‌نویسند: «قوانین موضوعه‌ی جمهوری اسلامی ایران نیز با چشم داشت به روند نظریه‌ی تعدد قاضی و وحدت قاضی در فقه، به هر دو نظریه توجه نشان داده است؛ بدین گونه که نظریه تعدد قاضی، در موارد تجدید نظر حکم، در مراکز استان‌ها یا دیوان عالی کشور، مشهود است؛ چنان که در بقیه موارد، نظام وحدت قاضی حکم فرماست».

ت- فرضیه‌های پژوهش

۱- به نظر می‌رسد نهاد تعدد قاضی در تحقق حداکثری عدالت قضایی مثر ثمر می‌باشد.

۲- به نظر می‌رسد نهاد تعدد قاضی به کار گرفته شده در سیستم قضایی کشورمان کارآمد نمی‌باشد.

ث) - حدود پژوهش

بررسی موضوع در حقوق موضوعه ایران و فقه امامیه.

ج) - اهداف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، بررسی اصل تعدد قاضی، شرایط تحقق آن و ارزیابی این شرایط در نهادهای مشابه، ارزیابی کارکردهای این نهاد و یافتن پاسخ‌هایی برای علل ناکارآمدی آن در نظام قضایی کشورمان می‌باشد.

چ) - مبانی نظری پژوهش

اصل تعدد قاضی و نظام قضاوت شورایی یا جمعی، صراحتاً و انحصاراً در قانون خاصی مورد اشاره واقع نشده است و صرفاً در برخی مواد قانونی، قانون گذار بکارگیری این شیوه دادرسی را حکم کرده است بی‌آنکه به چرایی و فلسفه به کارگیری این نهاد پرداخته باشد.

در قانون اساسی (اصل ۱۶۸)، سیاست‌های کلی نظام قضایی مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۹ (بند ۳)، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۹۲ (ماده ۲۹۶)، قانون دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ (ماده ۳)، قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ (ماده ۲۰) و... نهاد تعدد قاضی و این شیوه دادرسی مورد عنایت بوده است. در کتب فقهی نیز بیشتر فقها که به نهاد تعدد قاضی اشاره داشته‌اند، بیشتر به جنبه شرعی بودن یا نبودن رسیدگی دعاوی توسط بیش از یک قاضی پرداخته‌اند، چرا که در نظام قضایی اسلام، اصل بر وحدت قاضی می‌باشد و قضاوت همزمان توسط چند قاضی محل اشکال و بحث می‌باشد. هرچند در کتب فقهی نیز همانند قوانین چندان به شرایط تحقق و کارکردهای نهاد تعدد قاضی پرداخته نشده است، با این وجود نیاز می‌باشد در رابطه با چرایی، فلسفه وجودی و دیدگاه‌های مختلفی که در این باره ابراز شده علاوه بر قوانین و کتاب حقوقی به فقه امامیه نیز تمسک جوئیم، چراکه نظام قضایی و دادرسی ما از دیدگاه فقهای امامیه متأثر بوده و بدون در نظر گرفتن فقه، نمی‌توان به عمق و ژرفای مفاهیم حقوقی دست یافت.

ح) - روش شناسی پژوهش

در این تحقیق، با استفاده از شیوهی کتابخانه‌ای، به جمع‌آوری اطلاعات و فیش‌برداری پرداخته می‌شود و سپس با تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده، به نتیجه‌گیری می‌پردازیم. از این روش تحقیق، روش توصیفی-تحلیلی می‌باشد.

خ) - سازماندهی پژوهش

در فصل اول به بیان کلیات و مفاهیم در خصوص تعدد قاضی و قضاوت شورایی پرداخته می‌شود.
در فصل دوم به بررسی شرایط تحقق نهاد تعدد قاضی و مقایسه آن در نهادهای مشابه پرداخته می‌شود.
در فصل سوم به بررسی کارکردهای مثبت و منفی نهاد تعدد قاضی و دلایل ناکارآمدی آن در نظام حقوقی پرداخته می‌شود.

فصل اول: کلیات و مفاهیم

در این فصل طی دو مبحث به ترتیب به مفاهیم (مبحث اول) و پیشینه تعدد قاضی (مبحث دوم) می‌پردازیم.

مبحث اول: مفاهیم

در این مبحث طی سه گفتار به ترتیب مفاهیم قضا (گفتار اول)، عدالت قضایی (گفتار دوم) و تعدد قاضی و مفاهیم مشابه (گفتار سوم) بررسی می‌شود.

گفتار اول: مفهوم قضا

در این گفتار به معنای قضا از نظر لغوی (بند اول) و اصطلاحی (بند دوم) پرداخته می‌شود.

بند اول: قضا در لغت

قضا [قضاء] که اسم فاعل آن «قاضی» است (جوهری، ۱۴۰۷ق: ۲۴۶۳/۶). در اصل در لغت عربی «قضای» می‌باشد، زیرا ریشه این واژه از «قَضَيْتُ» است و طبق قاعده اعلال «ی» بعد از الف تبدیل به حمزه تبدیل شده است (امیرزاده جیرکلی، ۱۳۸۶: ۱۴۰). برای واژه قضا، معانی مختلفی از جمله، حکم و فرمان (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۸۶/۱۵؛ ازهری، بی تا: ۱۶۹/۹-۱۷۰)،^۱ فیصله دادن امور به صورت زبانی یا عملی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۶۷۴) فتوا دادن، آگاهی دادن، پند دادن (دهخدا، ۱۳۳۹: ۳۳۵/۳۸)، الزام، خلق کردن (فیروزآبادی شافعی، ۱۴۱۵ق: ۴۳/۴)، مرگ و اجل (نقیسی، ۱۳۳۵: ۲۶۷۴/۴؛ عمید، ۱۳۶۵: ۱۸۹۲/۳)، استوار کردن امور)

^۱ ر.ک (ابن اثیر، ۴: ۷۸/۱۳۶۷؛ بعلبکی، ۲۰۰۱ م: ۸۶۵؛ فراهیدی، ۱۴۰۵ق: ۱۸۵/۵؛ ابن ذکریا، ۱۴۰۴ق: ۹۹/۵؛ بستانی، ۱۹۸۷ م: ۷۴۲).

قرشی، ۱۴۰۸ق: ۲۹۵)، پایان یک امر و بیان (زییدی واسطی، ۱۴۱۴ق: ۸۴/۲۰) و فراغ (جبعی عاملی، ۱۴۲۵ق: ۳۲۵/۱۳؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۷۵) بیان شده است.

با وجود معانی به ظاهر متکثر برای واژه قضا، عمده معانی به حکم و فرمان برمی گردد (خالصه رنجبر، ۱۳۹۳: ۳۰) و سایر معانی ذکر شده در بطن خود در حقیقت به این معنای مشهور اشاره می کنند.

بند دوم: قضا در اصطلاح

قضا در اصطلاح، شامل دو معنی کلی می باشد، در معنی اول قضا به حکم کردن میان مردم در هنگام اختلاف و نزاع و پایان دادن به خصومت بین طرفین بر طبق موازین شرعی گفته می شود.

۱- «قضا» {به معنای حکم کردن بین مردم است} «(جبعی عاملی، ۱۳۸۴: ۶۱/۳).

۲- «قضا به معنای فصل امور به صورت زبانی یا عملی است» (فاضل هندی، ۱۴۱۸ق: ۵/۱۰).

۳- «قضا به معنای حکم کردن بین مردم به هنگام اختلاف و تنازع و رفع خصومت و فصل امور بین آنهاست» (طباطبایی یزدی، ۱۳۷۸ق: ۲/۳).

۴- «قضا به معنای فصل خصومت بین طرفین دعوا و صدور حکم در جهت تایید ادعای مدعی یا حکم به عدم تایید ادعای وی علیه، مدعی علیه می باشد» (فیاض، بی تا: ۲۳۳/۳).

۵- «حکم قاضی یا داور در مورد مسائلی که احراز کرده اند، خواه امور کیفری باشد، خواه نباشد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳: ۹۹۰/۲).

در معنی دوم، قضاوت هم سنگ ولایت شرعی می باشد.

۱- «قضا عبارت است از ولایت شرعی بر حکم و مصالح عموم از سوی امام (ع)» (مکی عاملی، بی تا: ۶۵/۲).

۲- «قضا عبارتست از ولایتی شرعی به حکم بر اشخاص به جهت تایید و استیفای حقوق برای مستحق آن، برای کسی که قابلیت افتخار در جزئیات قوانین شرعی را دارا می باشد» (جبعی عاملی، ۱۴۲۵ق: ۳۲۵/۱۳).

برخی فقها نیز برای قضا، این تعریف را برگزیدند (حلی اسدی، ۱۴۰۷ق: ۴۵۱/۴؛ سیوری حلی، ۱۴۰۴ق: ۲۳۰/۴).

۳- «قضا ولایت شرعی بر حکم و مصالح عموم می باشد و هدف آن رفع اختلافات و دشمنی بین طرفین دعوی است» (حسینی عاملی، بی تا: ۲/۱۰).

^۱ «هو الحكم بين الناس».

^۲ «القضاء هو فصل الامر، قولاً او یا فعلاً».

^۳ «القضاء هو الحكم بين الناس عند التنازع و التناجر و رفع الخصومه و فصل الامر بينهم».

^۴ «القضاء هو فصل الخصومه بين المتخاصمين، و الحكم بثبوت دعوى المدعى أو بعدم حق له على المدعى عليه».

تعریفی که شهید اول و صاحب مفتاح الکرامه ارائه دادند بر تعریف شهید ثانی برتری دارد و بر تعریف شهید ثانی دو ایراد وارد است:

۱- این تعریف شامل تمام وظایف قاضی نمی‌شود، چرا که محدوده وظایف قاضی صرفاً حکم کردن در مورد دعوا نیست، بلکه برخی امور نظیر امور حسبیه، اصلاح بین الناس نیز از وظایف وی می‌باشد که در این تعریف جایگاهی ندارد.

۲- در این تعریف بیان شده که حکم قاضی به جهت اثبات حق و استیفای آن برای صاحب (مستحق) آن می‌باشد، اما یکی از مواردی که قاضی حکم می‌کند در باب حدود و تعزیرات است و حدود و تعزیرات همواره مربوط به حق الناس نیست، بعضی از حدود و تعزیرات مربوط به حق الله است. مواردی که به حق الله است نمی‌توان از عبارت مستحق استفاده کرد چرا که منظور از مستحق، انسان دارنده حق می‌باشد.

البته هر سه تعریف یک اشکال مشترک دارند که قضا مورد تعریف شامل قضا غیر صحیح نمی‌باشد، در حالیکه قضا یک معنای عامی است که شامل قضا صحیح و غیر صحیح می‌شود. اگر کسی متصدی امر قضا به وسیله خلیفه ظالم، غاصب و جائز گردد، آیا به چنین فعلی قضا گفته نمی‌شود؟ طبعاً گفته می‌شود، همان طور که قضاتی که در کشورهای غیر مسلمان به امر قضاوت مشغول هستند، فعلی که از سوی آنها صورت می‌گیرد قضاوت نام دارد.^۱

گفتار دوم: مفهوم عدالت قضایی

حقوق دانان به فراخور دیدگاه خود عدالت قضایی را به شرح زیر تعریف نموده‌اند:

۱- «عدالت قضایی عبارت است از برابر داشتن در رعایت تساوی در بین اصحاب دعوا، توسط قاضی در جریان رسیدگی و صدور حکم به نفع صاحب حق با رعایت منافع عمومی و در چارچوب موازین اسلامی» (ولیدی، ۱۳۸۰).

۲- «عدالت قضایی به معنی ابزارها و روشها و قواعدی است که برای رسیدن به یک دادگستری شایسته و عادلانه و حفظ کرامت انسانی اصحاب دعوا به ویژه متهم و محکوم علیه لازم و ضروری است» (پور مظفر، ۱۳۸۹: ۷).

^۱ کنی تهرانی به نقل از حجت الاسلام والمسلمین ارسطا <http://vasael.ir/fa/news/6499/> رویت شده ۹۹/۴/۱۵.

۳- «عدالت قضایی از بزرگترین اهداف هر نظام قضایی است تا در سایه آن عدالت کیفری به خوبی اجرا شود و تحقق آن زمانی خواهد بود که سیستم قضایی به گونه‌ای عادلانه برنامه‌ریزی شده باشد» (آقایی، ۱۳۹۰: ۱۶).

توجه به عدالت قضایی محدود به دکتین حقوقی نبوده است بلکه در قوانین و قواعد ملی و بین‌المللی نیز توجه به این امر مشهود بوده است.

قانون‌گذار داخلی در مقدمه قانون اساسی به عدالت قضایی پرداخته و بر ایجاد سیستم قضایی عادلانه تأکید و اهتمام داشته است.

«... ایجاد سیستم قضایی بر پایه عدل اسلامی و متشکل از قضات عادل و آشنا به ضوابط دقیق دینی پیش‌بینی شده است...».

اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ نیز نسبت به اهمیت عدالت قضایی واقف بوده و در ماده ۷ بیان می‌کند: «همه در برابر قانون برابرند و همگان سزاوار آن‌اند تا بدون هیچ تبعیضی به طور مساوی در پناه قانون باشند. همه انسانها محق به پاسداری و حمایت در برابر هر گونه تبعیض که ناقض این «اعلامیه» است، هستند. همه باید در برابر هر گونه عمل تحریک آمیزی که منجر به چنین تبعیضاتی شود، حفظ شوند»^۲.

آنچه از تعاریف مذکور برداشت می‌شود، عدالت قضایی چیزی جز اجرای صحیح قانون نمی‌باشد، در نتیجه هر فاکتور یا عاملی که بتواند نظام قضایی را در اجرای صحیح قانون یاری رساند، نقش موثری بر عدالت قضایی خواهد داشت.

^۱ سایر تعاریفی که از عدالت قضایی از سوی حقوق‌دانان بیان شده است در ادامه اشاره شده است:

«عدالت قضایی متفاوت از عدالت کیفری است در حقیقت، عدالت کیفری این هدف را پی می‌گیرد که کیفر و مجازات بر اساس عدالت باشد اما عدالت قضایی به دنبال اجرای عادلانه مجازات است و در صدد پیگیری عدالت در مرحله قضاوت و پس از آن است» (طارمی، ۱۳۸۸: ۱۸).

«عدالت قضایی عبارت از آن است که کلیه افراد و اشخاص جامعه به طور یکسان، بدون تبعیضات ناشی از وضعیت طبقاتی یا وضعیت عقیدتی و سیاسی به طور یکسان از خدمات قضایی دادرها و دادگاه‌ها استفاده کنند و این معنا از اصول ۱۹ و ۲۰ و ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ و ۳۷ قانون اساسی استنباط می‌شود».

«عدالت قضایی یعنی فراهم کردن زمینه‌های لازم برای احقاق حقوق مردم از طرف دستگاه قضایی و فصل خصومت بین مردم بر اساس معیارهای قانونی توسط این نهاد».

«عدالت قضایی یعنی اجرای قانون؛ هر اندازه قانون را درست اجرا کنیم به همان اندازه به عدالت نزدیک‌تر شدیم».

(به ترتیب، بهمن کشاورز؛ محمد جعفر حبیب زاده؛ محمود آخوندی در مصاحبه با خبرگزاری ایسنا 8411-11148-www.isna.ir/news رویت شده ۹۹/۰۴/۱۸).

«تضمینات کلی که به منظور رعایت حقوق طرفین در فرایند دادرسی انواع دعوای نزد دادگاه صلاحیتدار، مستقل، بیطرف و قابل پیش‌بینی در مکانیسم قضایی پیش‌بینی شده است» (حسینی، ۱۳۹۳: ۵ به نقل از حاج زاده، ۱۳۹۵: ۷۱).

«اگر افراد جامعه انسانی از حیث انسانیت و حقوق انسانی مساوی باشند که ظاهراً چنین است، در مقام داوری حق کسی که مورد تجاوز قرار گرفته، گرفته شود و هیچ گونه ملاحظات اعتباری و غیر ارزشی مورد توجه قرار نگیرد» (موسوی گرگانی، ۱۳۷۶: ۲۷۴).

^۲ www.aix-scientifics.com/fa/_humanrights.html رویت شده ۹۹/۴/۱۸.

گفتار سوم: تعدد قاضی و مفاهیم مشابه

در این گفتار به مفهوم تعدد قاضی (بند اول)، قضاوت جمعی (بند دوم) و قضاوت شورایی (بند سوم) می‌پردازیم.

بند اول: تعدد قاضی

در این بند ابتدا کاربردهای مختلف اصطلاح تعدد قاضی (الف) را بیان می‌کنیم و در ادامه به معنی اصطلاحی (ب) آن می‌پردازیم.

الف: کاربرد

تعدد قاضی، اصطلاحی با کاربرد چندگانه می‌باشد، برای آنکه ذهن را به مفهوم به کار رفته در این پژوهش نزدیک کنیم، ابتدا اقسام به کارگیری این اصطلاح را تشریح می‌کنیم.

۱- تعدد قاضی به مفهوم جدایی قاضی تحقیق از دادرسی: در مواردی مشاهده می‌شود که اصطلاح تعدد قاضی در برخی کتب حقوقی اشاره به جدایی قاضی تحقیق از دادرسی دارد (فضائلی و ملائکه، ۱۳۹۴: ۱۴۵) و در این مفهوم به کار گرفته شده است که این تعبیر از اصطلاح تعدد قاضی مورد عنایت این پژوهش نمی‌باشد.

۲- تعدد قاضی طولی: برخی نویسندگان برای مقایسه نظام قضایی یک درجه‌ای نظیر نظام قضایی اسلام (محمدی گیلانی، ۱۳۷۸: ۱۷۴) با نظام‌های نوین قضایی که عمدتاً نظام‌های رسیدگی دو درجه‌ای می‌باشند (خالقی، ۱۳۸۸: ۱۹) از اصطلاح تعدد قاضی در مقابل وحدت قاضی بهره می‌برند. باید گفت این تعبیر از تعدد قاضی که اشاره به رسیدگی طولی و چند درجه‌ای توسط چند قاضی در سطوح و زمان مختلف دارد نیز مد نظر این پژوهش نمی‌باشد.

۳- تعدد قاضی عرضی: هرگاه چند قاضی همزمان در رابطه با یک دعوا و پرونده حضور داشته باشند و به آن رسیدگی کنند، خواه این همکاری در نظام قضایی یک درجه‌ای باشد، خواه در نظام قضایی دو درجه‌ای و یا بیشتر.

در واقع نهاد تعدد قاضی که در این پژوهش قرار است مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد، در این اصطلاح و تعبیر، ظهور پیدا می‌کند که در ادامه پژوهش، عمدتاً به اختصار تعدد قاضی از آن یاد می‌شود.

ب: تعریف اصطلاحی

تعدد قاضی عمدتاً تعبیری از سوی حقوقدانان می‌باشد که در لسان فقها به قضاوت شورایی و قضاوت جمعی تعبیر می‌شود. پس از غور و بررسی فراوان در فرهنگ‌های مختلف انگلیسی، اصطلاحی که انحصاراً معادل این مفهوم باشد، یافت نشد، گرچه برخی نویسندگان اصطلاح «salinity judgement» را معادل قضاوت شورایی دانسته‌اند (حییم، ۱۳۸۵: ۳۴۲ به نقل از حاجی ده آبادی و محمدی نسب، ۱۳۹۰: ۷۸) اما باید گفت این